



موسیقی در قرن هژدهم

نقاش رویک کریوریان + از تبریز

کلاسیکهای قدیم - نیمه اول قرن هژدهم در تاریخ موسیقی اهمیتی بسزا دارد. چه از طرفی اسلوبی که در قرون گذشته بوجود آمده بود سر و صورتی گرفت و از طرف دیگر در این دوره هارمونی (۱) تشکیل شد. در حقیقت در این عصر بود که فن موسیقی با ظهور استادان درجه اول رو به تکامل رفت و در پیشرفت آن موسیقی دانها بقدری مجاهدت کردند که تاریخ در هیچ دوره ای نظیر آن را نشان نمیدهد. میتوان گفت در این دوره « منطبق بر احساسات غالب گردید ».



اگر چه در ایرای ایتالیائی قسمت موسیقی آوازی بیشتر فکر موسیقی دانها را بخود مشغول کرد ولی فرانسویها راه دیگری در پیش گرفته بسبب اهمیت داده و در آن موفقیت یافتند.

(۱) هارمونی Harmonie یعنی علم توافق.

آلمانها نیز پلیفونی^(۱) کهنه خود را کنار گذاشته و پلیفونی تازه را جانشین آن کردند. در این دوره آلمان از لحاظ موسیقی درجه اول را حائز است؛ زیرا استادان و نوابغی در موسیقی پیدا شدند که منحصر بدان مملکت بودند. بنابراین باید گفت که آلمان از حیث تقدم در موسیقی جانشین ایتالیا گردید.

در قرن هژدهم همان طور که در عالم ادب و فلسفه نویسندگان درجه اول مثل واتو^(۲) منتسکیو^(۳) واتر^(۴) ماریوو^(۵) ظهور کردند، در عالم موسیقی نیز علمائی مانند رامو^(۶) باخ^(۷) هاندل^(۸) بظهور آمدند که از حیث اهمیت در قسمت خود کمتر از آنها نیستند.



ژان . فیلیپ . رامو (۱۶۸۳-۱۷۶۴)

اضمحلال اپرای ایتالیائی - اپرای ایتالیائی در این دوره روپاضمحلال نهاد و سرود از مقصود اصلی خود دور شد یعنی بجای اینکه احساسات روحی با طرز ساده و

(۱) پلیفونی Polyphonie چند صوتی . (۲) Watteau (۳) Montesquieu (۴) Voltaire (۵) Marivaux (۶) Rameau (۷) Bach (۸) Händel .

سلیس بیان گردد فقط باشعار سرود اهمیت دادند و ربطی بین شعر و آهنگ وجود نداشت و بعلاوه اشعار سرود خالی از معنی بود. در این قرن دوره رواج «سرود قشنگ» Belcanto و یا - ویرتوازیته و کال Virtuosité Vocale بمیان آمد و اهمیت موسیقی سرود کاسته شد. بین موسیقی دانهای این دوره یکعده استادان شهرت پیدا کردند که معروفترین آنها **مارسلو (۱)** **کالدارا (۲)** **دورانت (۳)** **پرگولز (۴)** می باشند که در آثار آنها حسن بیان و پاکیزگی و فصاحت آشکار است.

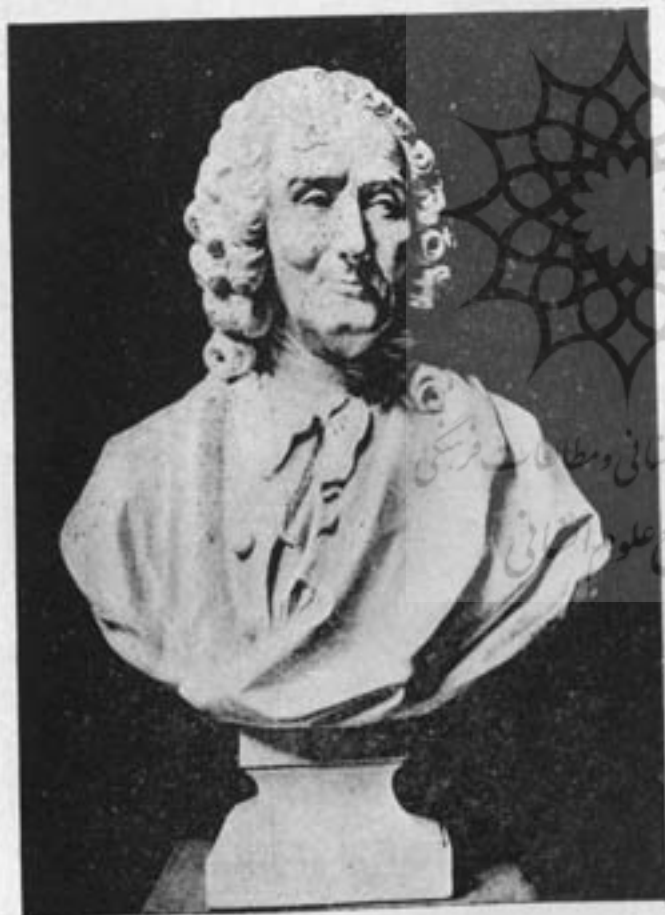
در اول قرن ۱۸ در ایرای ایتالیائی طرز جدیدی بظهور پیوست که ایرای **بوفا (۵)** می باشد. موضوع این قسم ایراها در امانیک نیست بلکه کمیک است. از معروفترین سازندگان این نوع ایرا پرگولز ایتالیائی را میتوان نامبرد.

ایرای فرانسوی - ایرا در

فرانسه جنبه ملیت بخود گرفت و اولین کسانی که در این قسم ایرا زحمت کشیدند و مشهور شدند **کامبر (۶)** و **لوی (۷)** می باشند. **رامو** یکی از پیروان ایشان و بزرگترین مخالف (تقلید از موسیقی ایتالیا) و طرفدار موسیقی فرانسه بود؛ او بود که تزئیناتی بارکستر داده و آن را باشکوه و چند صوتی کرد.

علاوه بر آن **رامو** در قوانین

سیستم هارمونیک زحمت کشیده و



مجسمه رامو

«Opéra-buffa» (۵) Pergolèse (۴) Durante (۳) Caldara (۲) Marcello (۱)
Lulli (۷) Cambert (۶)

مطالعاتی در روابط و تناسب توافق ها بجای آورده و موفقیت‌هایی حاصل کرده است . آثار **رامو** دارای وزن های بسیار زیبا می باشند .

موسیقی مذهبی - در قرن هژدهم موسیقی در آلمان جنبه مذهبی بخود گرفت . (موسیقی ایتالیائی که در این دوره عبارت از طرزبل کانتو بود از موسیقی آلمان پیروی نکرد) و موسیقی آلمان در نتیجه مساعی **باخ** و **هندل** راه ترقی پیمود .



باخ (۱) - که او را بزرگترین موسیقی دان در کلیه قرون مینامند در نتیجه زحمات خود در **سبک کنتریپوانتیک (۲)** موسیقی را پهنه‌ای ترقی داده است و نیز میتوان گفت که **باخ** مؤسس و موجد موسیقی امروزه است . هیچکس نتوانسته است مثل **باخ** تألیفاتی با وزنه‌های تند و با الحان خوش بیادگار گذارد . **باخ** دارای آثار گرانبها و چند صوتی می باشد که تمام آنها بلیغ و شاهکار شمرده می شود . **باخ** برای داستان موسیقی سر مشق شده و علمای موسیقی از سبک او پیروی و تقلید کرده اند . فقط در موسیقی تاتر **باخ** کار نکرده و این رشته از موسیقی بروی شناسان مانده است .

باخ دارای استعداد بی نظیر و قریحی مانند بودم و در عالم موسیقی تغییرات عمده وارد کرده و صاحب مقام ارجمندی است متأسفانه معاصرین وی بطوری که لازم بود او را نشناخته و بقدر و قیمت او پی نبردند و ارزشی که برای او قائل شدند از ارزش **بک** ارگانست خوب بیش نبود . پس از **بک** قرن **هندلسن (۳)** توانست او را بدنیابشناساند .

(۱) بشماره سوم مجله موسیقی رجوع شود . (۲) Style Contrepoinique = (قطعه مقابل نقطه یعنی نت مقابل نت) هرگاه چندین آهنگ مختلف را که باهم توافق دارند تحت قواعد معینی جور کرده و در یک زمان بنوازند آنرا در موسیقی سبک کنتریپوانتیک نامند .
(۳) Mendelssohn (۱۸۰۹-۱۸۴۷) .

هندل (۱) - از معاصرین باخ می باشد . این شخص ابتدا بسبک اپرا های ایتالیائی کار می کرد ولی بعداً ملدبهای ساده و سلیس خود را با اسلوب کنترپوانتیک (اسلوب آلمانی) زینت داد .

هندل معلومات مقدماتی خود را در آلمان تحصیل کرده سپس به انگلستان مسافرت کرد و سالهای متمادی ساکن لندن بود و بسمت مدیریت دارالفنون سلطنتی رسیده و شهرت و عظمت بی نظیری برای خود حاصل کرده است .

اوراتوریو (۲) های (سرودهای مذهبی) هندل هر يك شاهکار بزرگی است که مؤلف خود را در تاریخ موسیقی اهمیتی بسزا بخشیده است .

در این عهد موسیقی **سازی (۳)** نیز در سه دبستان بزرگ (آلمان ، ایتالیا ، فرانسه) رو بترقی گذاشت و موسیقی قرن ۱۸ بمنتهای تکامل خود رسید .

باخ به **فوک (۴)** ، **کراال (۵)** ، **پراود (۶)** ، **سوئیت (۷)** ، **کنسرتو (۸)** بهترین صورت را داده و آنها را تکمیل کرد . ویلون زندهای ایتالیائی **کرلی (۹)** ، **ویوالدی (۱۰)** ، و **گاوینییه (۱۱)** فرانسوی کنسرتوی ویلون را ایجاد و تکمیل کردند . باخ و هندل در تکنیک ویلون تصرفات کرده و آن را بصورت امروزی درآوردند . ادبیات ارگ تکمیل شد و **پیروان رامو** در فرانسه و **سکارلاتی** در ایتالیا ؛ **ماتهنزن (۱۲)** و **تلمان (۱۳)** ، **هندل** ، و **باخ** در آلمان شاهکارهایی از خود بیادگار گذاشتند و علاوه بر این قطعاتی برای **کلاوسن (۱۴)** درست کردند .

(۱) Händel (۱۶۸۵-۱۷۵۹) (۲) Oratorio (۳) Musique instrumentale

(۴) Fugue - صفت کاملی از کنترپوانتیک است که متن در حال تکرار بوده و گردش آن اغلب درفاصله پنجم است . (۵) Choral - سرود مذهبی است که بحالت کر choeur ادا میگردد .

(۶) Prelude - مقدمه (۷) Suite - قطعات چندی است که بطور تسلسل و پشت سرهم ادا میگردد .

(۸) Concerto - قطعه موسیقی است که برای آلت مخصوص نوشته شده و با شرکت ارکستر ادا گردد .

(۹) Corelli (۱۰) Vivaldi (۱۱) Qaviniès (۱۲) Matheson (۱۳) Telemann

(۱۴) Clavecin کلاوسن آلتی است مانند پیانو ولی صدای آن از صدای پیانوسبک تر و نرمتر است .

امروزه کلاوسن معمول نیست و پیانو جانشین آن گردیده است .

ژوزف • فردريك • هندل
(۱۷۵۹ — ۱۶۸۵)



بارتولدى • مندلسن
(۱۸۴۷ — ۱۸۰۹)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

— ۱۳ —
کلاسیک‌های جدید

۱۸۲۰ — ۱۷۵۰

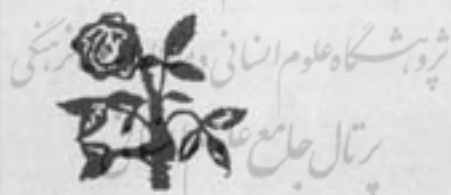
از نیمه دوم قرن هژدهم دوره جدیدی در تاریخ موسیقی شروع میشود که پیروان آن سبک جدید با اسم کلاسیک‌های جدید مشهور میباشند. از بزرگترین مشخصات موسیقی این عهد صداقت احساسات و اثر طبیعت در صنعت موسیقی میباشد. سه دبستان بزرگ (ایتالیائی، فرانسوی و آلمانی) شخصیت خود را نگاهداشته و رو بتکامل گذاشتند، چنانکه ایتالیائیها بموسیقی (Sensualiste) موسیقی احساساتی اهمیت میدادند. در صورتیکه فرانسویها اهمیت بسبک داده و در موسیقی (Spiritualiste) کار میکردند. ولی آلمانیها عقاید پیشینیان خود را محترم شمرده و از حدود موسیقی ایدالیست (Idéaliste) خارج نشدند و تجاوز از آنرا يك گناه بزرگ تصور میکردند. ایرای ایتالیائی باز بقسمت بل کاتو اهمیت داده و آنرا از دست نداد و موسیقی



کریستف، ویلی باند، گلوک (۱۷۱۴ - ۱۷۸۷)

دانهای زیادی از قبیل **ساجینی** (۱)، **سالیتری** (۲)، **چیماروزا** (۳)، پیدا شدند که همه در موسیقی بل کاتوکار کرده و دارای آثار زیادی میباشند.

در فرانسه **گلوک** (۴) که از پیروان بزرگ **لولی** و **رامو** می باشد موسیقی ترازدی **لیریک** (۵) را روی پایه استوار گذاشت و توانست آنرا از نفوذ بیمورد اپرای ایتالیائی مصون بدارد. گلوک در اوایل کار اسلوب اپرای ایتالیائی را قبول کرد و شروع بکار نمود ولی بعداً آنرا ترک و بطرح طرز جدیدی که فصیحتر و طبیعی تر از آن میباشد پرداخت و بطوری که از آثار او معلوم میشود سبک او ملایم و متین و باشکوه است. گلوک در ترکیبات خود که برای ارکستر نوشته تصرفات جدیدی کرده چنانکه آنرا با رنگهای کوناگون و (L'effet dramatique) تأثیر اندوهگین آرایش داده است. باسعی **پرگلز** (باپرای بوقا مراجعه شود) اپرای کمیک در فرانسه ایجاد و معمول گردید ولی بزرگترین نماینده اپرا کمیک **گرتری** (۶) میباشد که در اپراهای خود اشخاص و رولها را با موسیقی بهترین وجهی ربط داده است. در تحت تأثیر اپرا موسیقی چند صوتی رواج خود را از دست داد **ملدی** جانشین آن گردید زیرا ملدی رفته رفته مرغوبتر و فصیحتر و سلیستر میشد.



در این دوره **حالات** (۷) در موسیقی اهمیت یافته و ارکستر با آلات و اسبابهای مختلفه مزین گردید و غنی تر شد و با اضافه کردن آلات در ارکستر تأثیر آنرا شدیدتر کردند. از تغییر و تبدیل **سناتا** (۸) و **سوئیت** (فرم سنات (۹)) بوجود آمد که امروزه

(۱) Sacchini (۲) Salieri (۳) Cimarosa (۴) Gluck (1787-1714)
(۵) Tragédie lyrique (۶) Grétry (1813-1741) (۷) Nuances (۸) Sonata (۹) Canzone da Sonar) سرود باطنین. قطعه ایست که برای آلتی نوشته شده و به فوک شباهت داشته باشد. (۹) Forme sonate قطعه ایست که دارای دو یا سه یا چهار بخش بوده که هر یک از آنها دارای طبیعت مخصوص باشد.



ژرف ، هایدن



مجبیه اولی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نیز با فوک همراهی کرده اساس سرودهای موسیقی را تشکیل میدهند. این تغییرات از دبستان مانهایم (۱) شروع شد که مشهورترین نمایندگان آن ستامیتز (۲) و پسر دوم باخ - فیلیپ آمانوئل باخ (۳) میباشند که آثاری از آنها برای سیمفونی (۴) و پیانو فرت (۵)



کارل فیلیپ امانوئل باخ (۱۷۱۴ - ۱۷۸۸)

در دست هست و علاوه بر آن تغییراتی نیز در سیمفونی دادند چنانکه منوئه (۶) را داخل در سیمفونی و سیمفونی را چهار قسمت کردند که عبارتند از ۱ - آلفرو - Allegro ۲ - آندانت - Andante . ۳ - منوئه - Menuet . ۴ - روندو - Rondo
پیروان بزرگ دبستان مانهایم که مثل هایدن و مزار شهرت و معروفیت مهمی بهم رسانیده اند در تاریخ موسیقی با اسم سیمفونیستهای وین (۷) مشهور میباشند.

Philippe Emmanuel Bach (۳) Stamitz (۲) Mannheims (۱)
(۴) Symphonie قطعه موسیقی است که مرکب از چند قسمت بوده و برای ارکستر سیمفونیک تهیه شده باشد . (۵) Piano - forte که کریستوفری Cristofori (۱۶۵۵ - ۱۷۳۱) آنرا اختراع کرده جای کلاوسن را گرفت . (۶) Menuet رقصی است که بحالت سریع و سبک نواخته شود
Les Symphonistes Viennois (۷)

هایدن (۱) و مزار معاصر هم بوده اند این دو نابغه موسیقی بارزش یکدیگر بی

برده و مهر و محبت و صمیمیت کامل بین آنها موجود بوده است. چنانکه از نامه که

هایدن پیدر مزار نوشته این مطلب آشکار است: «خدا را بشهادت طلبیده و بشر اقم قسم

میخورم که پسر شما بزرگترین موسیقی دانست که نظیرش تا بحال بوجود نیامده است».

و نیز مزار نسبت بهایدن علاقه مفرطی داشته و بدوستی او از صمیم قلب علاقمند بوده

چنانکه **کوارتت (۲)** های خود را باو هدیه کرده و گفته است: «هر چه به هایدن تقدیم

کنم باز نمیتوانم از زیر بار منت او بیرون روم زیرا او بمن فنون ایجاد کردن را یاد

داده است». چنانکه ذکر شد علاقه مزار نسبت بهایدن بعد افراط بوده و او را پیدر

خطاب میکرد است. موقعیکه هایدن بانگلستان سفر میکرد مزار مثل يك بچه که در

فراق پدر خود گریه کند میگريست و میدترسید که بار دیگر بزیارت پدر و استاد

بزرگوار خود موفق نگردد از قضا حدس او صائب بوده زیرا وقتیکه هایدن بوین مراجعت

کرد مزار جهان را وداع گفته بود. در آثار متعدد هایدن احساسات روحی بوجه قشنگ

و فصیح جلوه گر میشود آثار او درخشان و ظریف و دارای آهنگهای مخصوص میباشد.

هایدن موسیقی تصویری را بسیار دوست میداشت چنانکه شاهکارهای

بی نظیر او از قبیل «آفرینش (۳)» و «فصول سال (۴)» از این قسم میباشد.

خدمات هایدن در قسمت سیمفونی قابل ملاحظه است زیرا در تشکیل و تکمیل

سیمفونی رنج برده و خدمات بسیاری کرده چنانکه به «پدر سیمفونی» ملقب شده است

هایدن بیش از سی سال معلم خانوادگی شاهزادگان استر هازی (۵) بوده و در نتیجه

شاهکارهای خود را با فراغت خاطر بی پایان رسانیده است.

اهمیت کوارتت های هایدن بواسطه شدت طنین است نه در نتیجه شدت هیجان

هایدن بآلات زهی و بادی موسیقی سرو صورتی داده رولهای آنها را دزار کستر

نا تمام

مهمتر کرد.

(۱) Haydn (۱۷۳۲-۱۸۰۹) (۲) Quartette قطعه موسیقی است که برای چهار آلت نوشته

شده باشد. (۳) La Création (۴) Les Saisons (۵) Princes Esterhazy



امادیس - پرده چهارم - سن ششم



فروز فایتن

دو صحنه از ایراهای لولی